

مفهوم عدم تمرکز

کشور تانزانیا با قانون عدم تمرکز سال ۱۹۷۲، روند امر را آغاز نمود، اگر چه حکومتها سالها قبل اختیارات اخذ مالیات توسط حکومتهای محلی را کاهش داده بود. روند عدم تمرکز اهداف گسترده زیر را در برداشت:

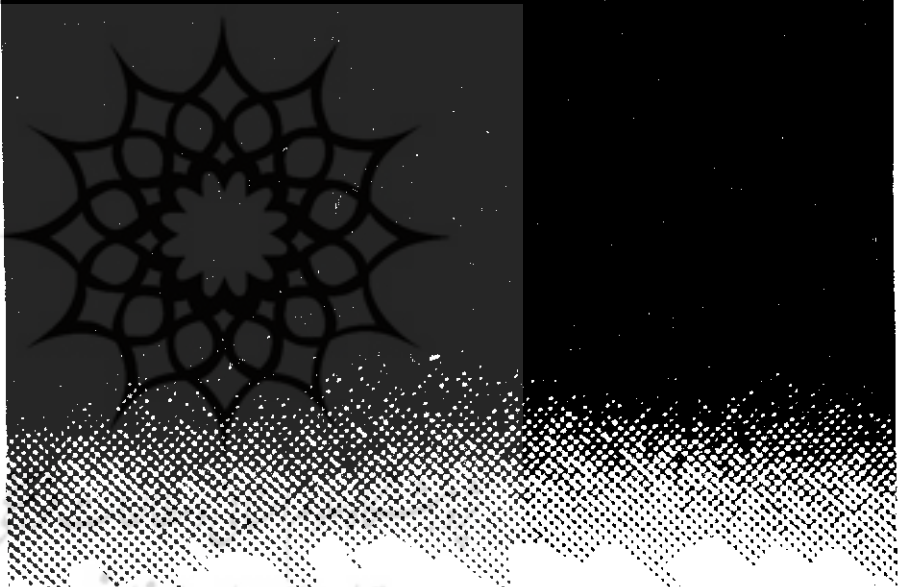
- ۱- دمکراتیزه کردن و عدم تمرکز بخشیدن به طراحی فعالیت توسعه کشور.
 - ۲- اعطاء اختیار صرف هزینه و تعیین ظرفیت توسعه به کارکنان منطقه‌ای بنحویکه بتوان از قید و بند قوانین و مقررات دست پاگیر رهائی یافت.
 - ۳- توسعه و یکپارچگی فعالیتهای خود یارانه محلی و تبدیل آن به روند توسعه.
 - ۴- ارتقاء برابر بین مناطق مختلف.
- در این زمینه، دستیابی به اتحاد و یکپارچگی حزب تاتو با دولتهای منطقه‌ای و محلی است. سازمان حزبی تاتو دارای گستردگی است لکن از چهارچوب مبتنی بر سلسله مراتب برخوردار است. تا قبل از سال ۱۹۷۲ حزب تاتو در ایجاد هماهنگی میان نظام حکومتی محلی و اداره کشور بطور موثر موفق نبود. چنانچه حزب تاتو قرار بود نقش را در تعیین خط و مشی عمده در کلیه سطوح ایفا نماید، دستیابی به وحدت نزدیکتر بین حکومت تاتو و حکومت الزامی بود.

هم‌اکنون حزب تاتو بطور عمده قسمتی از چهارچوب بخش، ناحیه، قسمت و منطقه را تشکیل می‌دهد.

اختیارات اتخاذ تصمیم

نظام گذشته «اختیارات محدوده شهری و نواحی محلی» بدلیل نداشتن کاربرد در نیل به اهداف نوین، کنار گذاشته شد. کارکنان این مراکز اکنون در حکومت مرکزی بعنوان کارمند و تحت طبقه، حقوق و معیارهای خدمتی استاندارد مجتمع گردیدند. در حال حاضر تمامی بخشهای حکومت تحت یک مفهوم یعنی حکومت مرکزی تصور می‌شوند. از سوی دیگر وزارتخانه‌های مرکزی نگاهانه بیشتر کارکنان طرح و کاربرد خود را به مناطق مأمور کردند. از اینرو در عین زمان دو روند تمرکز و عدم تمرکز بسوق پیوست. حکومتهای نیمه خود مختار محلی از میان رفتند و همزمان با آن مسئولان منطقه‌ای با چهارچوبهای ناحیه‌ای، بخش و منطقه‌ای پدید آمدند.

مقامات حکومتی در مناطق مسئولیت برنامهریزی محلی و کاربرد شهر و روستا را در مناطق خویش برعهده دارند. وزارتخانه‌های مرکز کیلیمو (Kilimo) (کشاورزی) تسلط خویش بر تحقیقات و آموزش در زمینه مربوطه



تال جامع علوم انسانی

(۲)

نقد و بررسی الگوی توسعه در تانزانیا

در شماره گذشته ضمن ارائه اطلاعاتی در زمینه تاریخچه، نظام اکولوژی، تکنولوژی، نهادهای اقتصادی (سرمایه، تجارت و صادرات)، نهادهای سیاسی، مذهب، نظام قبیله‌ای، طبقات اجتماعی، ساختار اداری کشور، ارائه گردید و اهداف الگوی

تانزانیا و میزان موفقیت این الگو در دستیابی به عدالت اجتماعی، مشارکت همگانی، خودکفائی و عدم تمرکز تجزیه و تحلیل شد. دنباله مطلب شماره قبل را در این شماره می‌خوانید.

و حفظ ذخائر غذایی در درازمدت را ابقاء نمودند و توانستند برنامه‌های جامع تولید را طرح‌ریزی کنند که در مناطق بیشتری تأثیر باقی نهاد که از آنجمله برنامه ملی میز (Maize) را می‌توان نام برد. بهر حال برنامه‌هایی مانند برنامه ملی «میز» می‌بایست از طریق مسئولان منطقه‌ای به اجرا درآید. از آنجا که گمان می‌رفت چنین برنامه‌هایی با اولویت‌ها و منابع منطقه‌ای سازگار نباشد، در کاربرد با مشکلات عمده و جدی روبرو گردیدند. اگر چه اختیارات برنامه‌ریزی به مناطق واگذار گردیده بود، همواره سیاست حزب تاتو و حکومت بر شکل‌گیری برنامه‌ریزی از پائین به بالا استوار بوده است. رهنمودهایی کلی و عمومی در زمینه برنامه‌ریزی از طریق دفتر نخست‌وزیر صادر می‌گردد، لکن طرح‌ها در عمل توسط خواست‌ها و اولویت‌های ابراز شده در سطح روستا، آغاز می‌گردند. درهم آمیختگی نزدیک حزب تاتو در قالب این روند چنین بنظر می‌رسد که یک روند سیاسی بالقوه فعال و سالم بوجود آورده که خدمات اداری را بیش از پیش مسئول نیازها و اولویت‌های محلی قرار می‌دهد.

کارکنان

پیش از این یادآور شدیم که کارکنان حکومت همگی جزء کارکنان دولتی حکومت ملی هستند. هر یک از وزارتخانه‌های نهنگانه و غیر متمرکز کشور مسئول جذب پرسنل جهت ادارات منطقه‌ای و ناحیه‌ای است. چنانچه یک فرد به منطقه‌ای مأمور گردد، وی تحت مسئولیت مدیر توسعه منطقه‌ای قرار خواهد گرفت.

کارمند کشاورزی منطقه‌ای اگر چه مستخدم کیلیمو محسوب می‌شود، لکن دستورات را از مدیر توسعه منطقه‌ای دریافت می‌دارد که وی خود در استخدام دفتر نخست‌وزیر است. در نتیجه مستخدمین دولتی مناطق، روحیه شناسائی و انجام برنامه‌هایشان را تقویت می‌نمایند.

منابع مالی

حکومت‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای هیچگونه اختیار اخذ مالیات ندارند. ایجاد تمرکز در اخذ مالیات، الگوی متوازن‌تر رشد منطقه‌ای و به موازات آن کاهش هزینه‌ها، نابرابریها و عدم کارآئیهای سطوح مختلف در اختیارات مالیاتی را بعنوان هدف مد نظر داشته است. حکومت‌های منطقه‌ای تنها از اختیار اخذ سایر وجوهات مانند عوارض بازار، دریافتی مربوط به صدور گواهیهای مختلف و سایر مبالغ از این دست را دارا هستند. مجموع کلی درآمد از چنین منابعی بین سالهای ۷۵-۱۹۷۴ بالغ بر ۷۱ میلیون شیلینگ بوده است. کلیه خدمات اجتماعی که توسط حکومت

محلی اداره می‌شود، رایگان است. از اینرو حکومت‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای هیچگونه قدرتی جهت وضع عوارض بهره‌برداری از اینگونه خدمات و یا ارزیابیهای ویژه و نظایر آن را ندارند، با توجه به اینکه ایسنگونه اختیارات تحت حکومت‌های کاملاً محلی در ایالات متحده آمریکا کاملاً طبیعی و عادی بشمار می‌رود. به همین جهت حکومت‌های منطقه‌ای در تانزانیا مجبور به اتکاء به مرکز برای قریب به تمامی هزینه‌های جاری عمرانی هستند، اگر چه دلایل این امر قابل درک است، لکن احتمالاً دولت به بازنگری در این مسئله حین پیشرفت در روند توسعه، خواهد پرداخت.

در حال حاضر حکومت مرکزی بودجه‌های عمرانی و جاری جهت مناطق تأمین می‌نماید. مناطق در زمینه توسعه، فقط ده درصد مجموع بودجه عمرانی را دریافت می‌کنند. بهر حال در ارتباط با وزارتخانه‌های غیر متمرکز نهنگانه توسعه (کشاورزی، آموزش و پرورش، ارتباطات و غیره)، سهم بودجه توسعه منطقه‌ای در حدود ۲۰٪ بودجه وزارتخانه‌های غیر متمرکز در سال ۷۷-۱۹۷۶ افزایش یافت.

عامل دیگری که ارزش کلی هزینه‌های منطقه‌ای را ارتقاء می‌دهد، اتکاء بخش قابل توجهی از فعالیت عمرانی به خودیاری است. از اینرو چنانچه برای ساخت یک مدرسه روستائی، درمانگاه یا جاده فرعی، ۱۰/۰۰۰ شیلینگ تانزانیا بودجه در نظر گرفته شده باشد، طی عملیات اجرایی ۱۰/۰۰۰ شیلینگ تانزانیا دیگر نیز برای نیروی کار و هزینه‌های دیگر باید در نظر گرفت. از آنجا که قریب به ۵۰٪ بودجه عمرانی منطقه صرف مدارس، بهداشت و آب آشامیدنی می‌گردد، چنانچه هزینه‌های نیروی کار را شامل گردد، منطقی خواهد بود اگر بپذیریم ارزش کلی فعالیت‌های عمرانی منطقه‌ای به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد.

از اینرو چنین نتیجه‌گیری می‌توان کرد که هر چند به ظاهر حکومت‌های منطقه‌ای سهم عمده‌ای از بودجه عمران ملی را دریافت می‌دارند، لیکن ارقام بودجه می‌بایست با دقت و بازبینی، و با توجه به ارزش کلی منابع بالقوه مناطق، مد نظر قرار گیرد.

آیا حکومت مجدانه روند عدم تمرکز را دنبال می‌کند؟

به عقیده ما پاسخ مثبت است. شک نیست که روند عدم تمرکز هزینه‌ها و مشکلات خود را به همراه داشته است. لکن به اعتقاد ما نیروهای بافت سیاسی تانزانیا بسمت اختیارات هر چه بیشتر منطقه‌ای پیش می‌روند. بروز تضاد و مغایرت در اولویت‌های میان مناطق و مرکز، آشکار است.

در حقیقت این تضاد پیچیده‌تر از مسئله رویارویی وزارتخانه مرکزی با منطقه است. علاوه بر این تفاوت‌هایی که میان وزارتخانه‌های اجرایی و دفتر نخست‌وزیری، و نیز میان این دفتر و مناطق موجود است، سمت‌گیریهای سیاسی تانو در ارتباط با اینکه حزبی با شاخه‌های گسترده باقی بماند یا شکل یک حزب کاملاً تشکیلاتی پیشرو را بخود بگیرد، قابل توجه و ملاحظه خواهد بود.

دستیابی به عدم تمرکز

تلاش برای ایجاد عدم تمرکز در تانزانیا نمایانگر تجربه‌ای پراهمیت و منحصر به فرد در تغییر نهادها در بین ملت‌های آفریقا است. مسائل عمده عدم تمرکز به قرار ذیل است:

۱- عدم کارائی نظری و علمی روند برنامه‌ریزی متمرکز، توسط هورویکز، Hurwicz و واترستون Waterston و دیگران مورد بحث قرار گرفته است. در برنامه‌ریزی متمرکز نیاز گسترده‌تری به اطلاعات و هماهنگیها وجود دارد. عدم تمرکز تأثیر متقابل اداری را افزایش بخشیده و طراحی هر چه بهتر و دقیق‌تر برنامه‌های منطبق با شرایط محلی را امکانپذیر می‌سازد.

۲- بیش از پیش آشکار گردیده که مسئله توسعه خود رندی با فاکتورهای گوناگون است که محتاج تلاش مشترک در زمینه‌های کشاورزی، بهداشت، آموزش، مسائل جمعیتی، تغذیه، آب و غیره دارد. تأکید صرفاً بر توسعه کشاورزی، اغلب به سود کشاورزان بیشتر با قدرت خلاقه است. براساس تحقیقات انجام شده توسط سازمان «جایگزینهای توسعه»، توسعه موفقیت‌آمیز روستائی نیاز به پروژه‌های کشاورزی منطقه‌ای ویژه به همراه عوامل ویژه منطقه‌ای دارد. این عوامل ویژه می‌بایست شامل اعتبار، انگیزه‌ها و بازاریابی و غیره نیز باشد. رشد میزان با سوادی عنصر عمده‌ای در افزایش قدرت تولید کشاورزی است. بهداشت و تغذیه بهتر نیز کمکیهای شایانی به ارتقاء تولید کشاورزان می‌نماید.

توسعه موفقیت‌آمیز روستا نیاز به چهارچوب تشکیلات غیر متمرکز دارد که در آن تمامی جنبه‌های بهداشت، آموزش و غیره بتوانند تحت یک سازمان محلی اداره شوند و سازمان مزبور قادر به کنترل افراد و منابع موجود باشد.

۳- عامل توفیق توسعه روستائی مشارکت ساکنان روستا در طرح برنامه و کاربرد آن است. بعبارت دیگر مشارکت در امر توسعه دارای کارائی بیشتری است.

حکومت تانزانیا رسیدن به جامعه‌ای برپایه نهاد‌های خود کفای کشاورزی را هدف قرار داده و در این زمینه استعداد، تجربه و خلاقیت از طریق قالبها و سیاست‌های تشکیلاتی از خود بروز داده است. تلاش در جهت انتقال نهائی

تمامی جمعیت به روستاها از عمده‌ترین تحولات بشمار می‌رود، که اکنون مطالعه بیشتری در مورد این تلاش بعمل خواهیم آورد.

تانزانیا و تشکیلات روستا پیشینه

روند «روستائی شدن» از عملکردهای تحول تاریخی (که اغلب نادیده انگاشته شده) و نیز سیاست مدبرانه حکومت است. از لحاظ تاریخی دهکده‌هایی که هم‌اکنون تانزانیا را تشکیل می‌دهند، بویژه در طول دوره مناقشات قبیلای، وجود داشته و طی آن دوران دهکده باعث ایجاد امنیت بیشتر بوده است. طی دوران تسلط استعمار، امنیت بیشتری بوجود آمد و مردم به پراکندگی تمایل نشان دادند لکن نه به صورت مزارع انفرادی، بلکه به شکل مجموعه‌های نسبتاً کوچک فامیل عمدتاً گسترده‌گی آنها براساس منابع و ماهیت اقتصاد امرارمعاش تعیین می‌گردید. سال ۱۹۶۱، در زمان کسب استقلال، روستائیان در تمام سرزمین پراکنده شدند. از سوی دیگر از مناطق دارای تولید بیشتر، و طبیعتاً دارای تراکم جمعیت افزون‌تر، دهکده‌ها به حیات خود ادامه دادند. گاهی اوقات این دهکده‌ها در حیطة فعالیت یک میسیون مذهبی و یا حاکمیت اروپائی تشکیل می‌شدند که در آنصورت نیاز به کار دستمزدی وجود داشت.

پس از استقلال حکومت هیچگونه سیاست رسمی روستائی کردن را دارا نبود، اگر چه جنبشهای داوطلبانه نظیر آنچه در منطقه رومو Ruvumo واقع شد، در مناطق مشخصی وجود داشت.

طی نیمه دهه ۱۹۶۰، حکومت چند طرح را تجربه نمود که اغلب از نیروهای صلح آمریکائی و یا مجموعه متنوعی از کمکهای خارجی از کشور اسرائیل و بانک جهانی توسعه و بازسازی تشکیل می‌گردید. این سیاست نهایتاً به کنار نهاده شد زیرا به کندی پیش می‌رفت و با گسترده‌گی سرمایه همراه بود.

اواخر دهه ۱۹۶۰، حزب تاتو تأسیس دهکده‌های یوجاما را اعلام نمود که بر پایه اصول همکاری و مشارکت میان مردم استوار بود. برای انجام این برنامه می‌بایست جمعیت پراکنده روستائی تانزانیا بصورت دهکده‌ها مجتمع می‌شدند. از اینرو در آغاز به تدریج تلاش در جهت انتقال تمامی روستائیان تانزانیا به دهکده‌ها انجام گرفت که روند آن در سالهای اخیر تسریع گردیده است. در حال حاضر ۷۰٪ جمعیت کشور در دهکده‌ها اسکان داده شده و در برخی مناطق این شاخص بیشتر نیز هست.

اهداف روستائی نمودن

تانزانیا از طریق روستائی نمودن، دست به یک انقلاب زده که نهایتاً به برقراری جامعه‌ای براساس «یوجاما» خواهد انجامید که فلسفه آن به ۳ گروه تقسیم می‌گردد.

- ۱- توسعه اجتماعی
 - ۲- تحول اقتصادی و فنی
 - ۳- بازسازی سازمان اداری کشور
- ۱- توسعه اجتماعی:

بازسازی روابط اجتماعی بین مردم از اولویتهای حزب تاتو و حکومت محسوب می‌گردد، کار همگانی تحت روابط تعاونی در سطح روستا از اهداف عمده فلسفه حزب تاتو بشمار می‌آورد. آشتی میان برداشتهای سنتی از فامیل و برادری، به همراه آرزوی تبدیل تانزانیا به یک ملت پیشرفته، بنیان هدف مذکور را تشکیل می‌دهد. لازمه تحقق این هدف تجمع واحدهای فامیلی منفرد گذشته در قالب دهکده است. جایگاه آنان کار مشترک را می‌آموزند، رهنمودهای سیاسی را در قالب عضوی از احاد ملت و یک هم‌میهن دریافت داشته و نائل به درک اهمیت تشکیلات تعاونی خواهند شد. ایجاد سهولت در ارتباط میان مردم از عناصر عمده این استراتژی بوده و هست. علاوه بر این، دهکده به مثابه آزمایشگاه و آموزشگاهی است که در آن فراگیری اتکاء به خویش، و کلیه مهارتهای فنی لازم تحقق خواهد یافت. رهبری تانزانیا آگاه است که این شیوه تحول اجتماعی، روندی طولانی و پراز مصائب است. آنان چنین استدلال می‌کنند که ماندن به انتظار توسعه اقتصادی تانزانیا، چنانچه این امر تحت شرایط پراکندگی قبایل و روستائیان صورت پذیرد، تنها منجر به الگوهای نامطلوب تثبیت شده

موجود خواهد شد. از اینرو رهبری متمایل به پرداخت تاوان از هم گسیختگی اجتماعی و اقتصادی بمنظور برقراری چهارچوب یک جامعه متحول است. گرچه امکان دارد قسمت اعظم این خط و مشی‌ها از جانب متخصصین فنی خارج از کشور ذهنی انگاشته شود، لکن عدم موفقیت در درک اهمیتی که حزب تاتو در رابطه با این ایده آل‌ها قائل است، به خطای آشکار در شناخت توسعه تانزانیا خواهد انجامید.

روند تحول اجتماعی خالی از انتقاد نیز نبوده است. برنامه روستائی نمودن کشور بصورت آمیزهای از انگیزه‌های اجتماعی و اقتصادی (وعده یک زندگی بهتر)، و اعمال فشارهای اقتصادی و اجتماعی بوده است. در برخی از موارد قوه قهریه نیز بکار برده شده است. (۱)

طی هر رخداد حکومت تانزانیا درمی‌یافت که الگوهای اجتماعی موجود، موجب و موجد سنت‌گرایی، رکود اجتماعی، و عامل بازدارنده عمده برای خلق روحیه هویت ملی است. به خطا، یا پروا، آنان براین اعتقادند که صلاح و فلاح اجتماعی که نهایتاً از طریق روستائی کردن بدست خواهد آمد، بهای بازار آرائی گسترده نظام اجتماعی را خواهد پرداخت.

۲- تحول اقتصادی و فنی:

یکی از مسائل عمده در زمینه روستائی نمودن، قابلیت‌های اقتصادی موجود در انگیزه‌های کار و سرمایه کشاورزی محدود است. در نتیجه اجرای برنامه روستائی نمودن، کشاورزان تانزانیا بصورت تعاونی عمل خواهند نمود و این امکان بوجود خواهد آمد که بهره‌دهی نیروی کار خویش را در مقایسه با کشاورزان منفرد بیش از پیش افزایش دهند. نهایتاً هدف تبدیل دهکده به عمده‌ترین واحد تولید با بالا رفتن میزان شخم بر زمینهای یوجاما یا مزارع همگانی است. از طریق کشت تعاونی دهکده‌ها قادر خواهند بود میزان محصول در هکتار را افزایش داده و نیروی کار افزون‌تری ارائه دهند. علاوه بر این از طریق تشکیلات دهکده اشاعه عملکردهای نوین کشاورزی تسریع بیشتری خواهد یافت. سرانجام در برخی موارد، دهکده‌ها قادر به تأمین سرمایه لازم جهت خرید ماشین آلات خواهند بود، که این خود دور از دسترس کشاورزان

منفرد است. تانزانیا دارای طرح تکنولوژی متوسط جهت بهبود بخشیدن پایه و زمینه فنی در ارتباط با اهداف اجتماعی خود است.

روند روستائی نمودن از برخی جهات اصلاحات اراضی بشمار می‌رود. آنجا که تراکم جمعیت زیاد بود و زمین نسبتاً کمیاب مسئله نابرابریهای شدید در تملک زمین وجود



داشته است. انتقال مردم به دهکده‌ها و ایجاد امکان دسترسی برای همگان به زمین، عملاً این نابرابریها را کاهش می‌دهد. برنامه روستائی نمودن علاوه بر ایجاد کشاورزی تولیدی، امکان توسعه صنایع کوچک را نیز فراهم خواهد آورد. تحت شرایط پراکندگی جمعیت دستیابی به این امر با اشکال همراه بوده و توسعه صنعتی با استفاده از تکنولوژی نوین در شهرهای بزرگ بوجود می‌آید که نتیجه آن بروز «اقتصاد دوگانه» است که اکثراً در جوامع درحال توسعه شاهد آن هستیم. تحت روند روستائی نمودن، چهارچوب برداشت جامع‌تری از توسعه از طریق صنایع کوچک روستائی بنا نهاده می‌شود که طی آن استفاده از تکنولوژی متوسط، بکارگیری بخش وسیعی از مردم و توزیع گسترده‌تر فعالیتهای اقتصادی در سراسر کشور صورت می‌پذیرد. متعاقباً چندگانگی اقتصادی و تقسیم کار پدید خواهد آمد، برخی از دهکده‌ها به مراکز بازار تبدیل خواهد شد و برخی دیگر به سایر خدمات و فعالیتهای تولیدی اختصاص خواهند یافت ضمن آنکه فاقد الگوی اولویت مرکز نظر آنچه در سایر کشورهای درحال توسعه وجود دارد، خواهد بود. با در نظر گرفتن توسعه اقتصادی در وسیعترین ابعاد آن که یعنی روابط میان

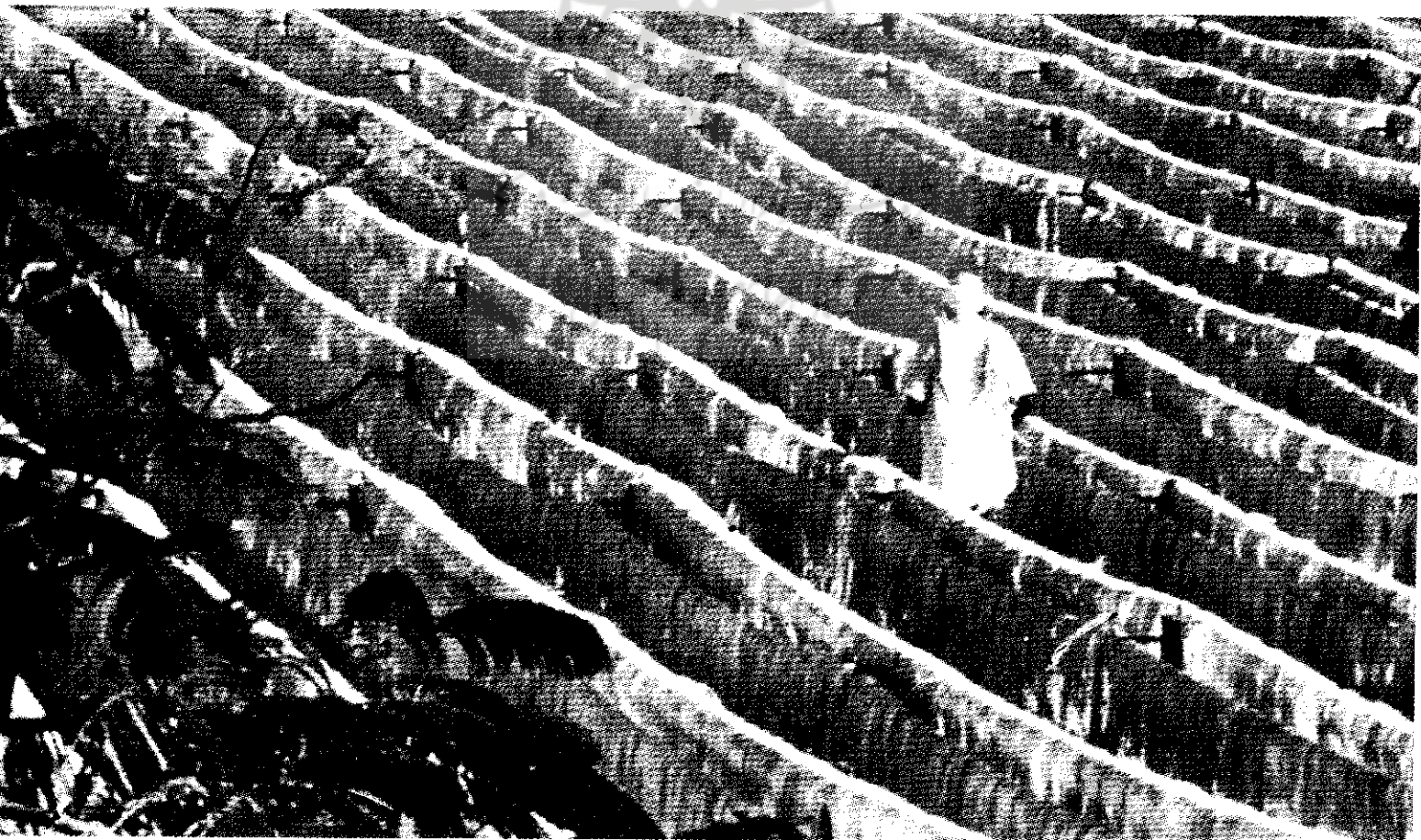
بهداشت، آموزش و سایر خدمات مورد نیاز مردم و نیز فعالیتهای تولیدی بطور مستقیم، اهمیت اینگونه خدمات در رشد اقتصادی قابل درک خواهد بود. جماعتی بیسواد و آلوده به اقسام امراض که بیشتر اوقات خود را به جمع‌آوری هیزم برای سوختن و آب برای آشامیدن صرف می‌کند، انرژی بیشتری برای تولید افزون برایش باقی نمانده و بمراتب کمتر از آن آمادگی جذب تکنولوژی سودمندتر را خواهد داشت. آموزش هر نوع حرفه یا فن به میزان حداقل سواد نیاز دارد. از اینرو تاکید کنونی بر خدمات «اجتماعی»، بهداشت، آموزش و آب آشامیدنی بخش مهمی از استراتژی توسعه اقتصادی را تشکیل می‌دهد. تجربه شخصی ما نشان می‌دهد که روستاهای بهره‌مند از آموزش و امکانات بهداشتی در مقایسه با روستاهای فاقد این امکانات به مراتب علاقه بیشتری به مسائل تولید از خود نشان می‌دهند. دهکده‌هایی فاقد یک یا تعداد بیشتری از اینگونه خدمات، اظهار تمایل بیشتر و عاجلی نسبت به این حداقل خدمات از خود نشان می‌دهند. از اینرو عملاً مشخص گردیده که خدمات «اجتماعی» و سرمایه‌گذاریهای تولیدی مستقیم نمی‌توانند جدا از یکدیگر صورت پذیرفته بلکه می‌بایست

توأم توسعه یابند.

۳- بازسازی سازمان اداری کشور

یک مسئله اساسی در تمام استراتژیهای توسعه روستائی، چگونگی دستیابی به تعداد وسیعی از زارعین کوچک است. در تانزانیا نه تنها اغلب کشاورزان خرده‌پا و معیشتی کار بوده‌اند بلکه بیشترین تعداد فقیرترین روستائیان پراکنده نیز هستند. هزینه‌های تحویل کلیه خدمات اعم از تکنولوژی جدید، غذا، خدمات کشاورزی و اجتماعی، اطلاعات و آموزشی سیاسی و نظایر آن، عاملی بازدارنده بشمار می‌آید. در این مورد نیز طرح روستائی کردن بخشی از پاسخ مثبت به مشکلات ذکر شده را پدید آورد.

در حال حاضر دهکده‌ها موجودیت قانونی پر اهمیت سازمان اداری و تشکیلات قانونی تانزانیا محسوب می‌گردند. تعاونیهای ثبت شده دهکده می‌توانند وام دریافت دارند، معاملات بانکی داشته باشند، اقلام محدودی را در رابطه با فروش محصولات کشاورزی جمع‌آوری کنند و اعتبارات محدودی را دریافت کنند. بر اساس اصل خودیاری دهکده قادر است نیروی کار را با مهارتهای مناسب تلفیق کرده و ارتقاء بخشیده، و پروژه‌های گوناگون ساختمانی را اداره نماید. دهکده در چهار چوب رهنمودهای حزب تاتو می‌تواند



نقد و بررسی الگوی توسعه در تانزانیا ۲

نهادهای قانونی خود را وضع نموده نهایتاً رشد خویش را تعیین و تبیین نماید.

تخمین زده می‌شود که هم‌اکنون ۷/۶۸۴ دهکده در تانزانیا وجود دارد. گرچه امکان دارد در رقم ذکر شده نوساناتی بسواسطه تقسیمات فرعی رخ دهد، لکن تردیدی نیست که ایجاد دهکده‌ها بعنوان واحدهای قانونی و اداری، طراحی برنامه توسعه تانزانیا را سهولت بیشتری بخشیده است. علیرغم آنکه حکومت نمونه‌های متفاوت نهادی را مورد تجربه قرار می‌دهد، از جمله حذف اخیر انجمنهای تعاونی، به نظر ما آنها نظام دهکده را ملاک عمل قرار داده‌اند.

تشکیلات دهکده

در تانزانیا دهکده‌های بصورت «نمونه» وجود ندارد. معهذا بمنظور بحث و بررسی، می‌توان مطالبی در مورد تشکیلات دهکده بیان نمود که در مورد اغلب دهکده‌ها صادق خواهد بود.

۱- دهکده‌های قدیمی: این دهکده‌ها طی مدت زمانی تشکیل گردیده و مشابه دهکده‌های سراسر آفریقا است. آنها معمولاً دارای یک مدرسه، مزارع انفرادی، و برخی تسهیلات خدماتی نظیر فروشگاه، اتوبوس و غیره هستند. در این دهکده‌ها مسکن معمولاً بطور نسبی بر از ازدحام بوده و اگر چه از تشکیلات پایه حزب تانو برخوردارند، و هر ده خانواده در ده واحد مسکونی سکنی دارند، لکن بنظر می‌رسد تغییرات اندکی را بر اثر سیاستهای اخیر شاهد بوده‌اند.

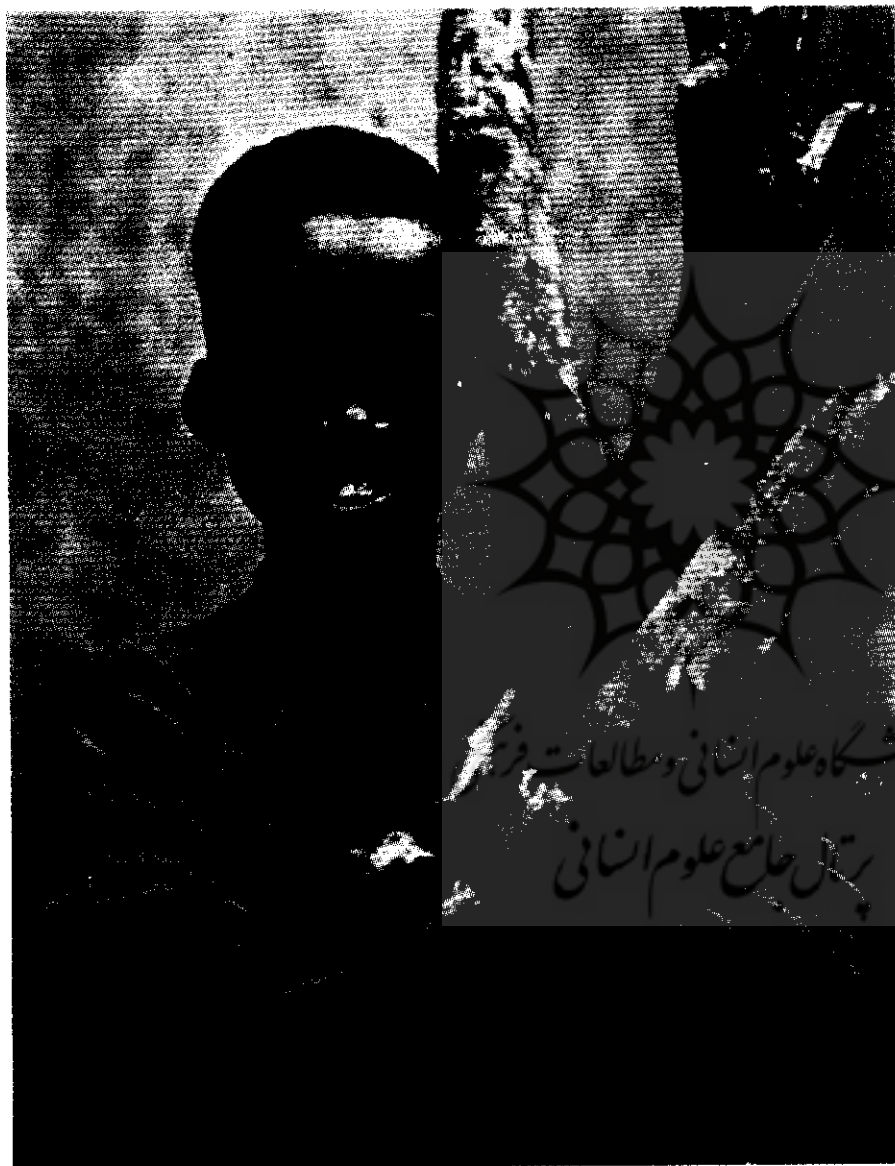
۲- دهکده‌های قدیمی با ساکنین جدید: این دهکده‌های قدیمی با جمعیتی در مرکز آنها هستند که چندین خانواده از مناطق اطراف به آنها افزوده گردیده است. در چنین مواردی دهکده در می‌یابد که می‌باید پایه کشاورزی خود را از طریق افزایش غلات جدید، تبدیل فعالیتهای اقتصادی فردی به مالکیت جمعی یا تعاونی توسعه بخشد و یا امکان دارد از طریق چندین حرفه محلی تنوع و تحولی در خود ایجاد کند.

۳- دهکده‌های نوین: این دهکده‌ها در مناطقی بوجود آمده‌اند که پیش از این تحت سکنی نبوده است. از لحاظ اندازه و وسعت از یکصد فامیل تا ۷۰۰ یا ۸۰۰ فامیل گسترش می‌یابند. نوعاً دهکده از طریق حداقل کمک از سوی مسئولان برنامه‌ریزی ناحیه، طرح‌ریزی شده است. آنجا زمین اجازه دهد، دهکده بصورت یک راست گوشه بزرگ، با خانه‌های مسکونی شخصی در حاشیه یک خیابان مشتمل بر ده تا

بیست خانه که زمینهای متعلق به خانواده‌ها (هر خانواده یک اکر acre) محصور گردیده است. خیابان بعدی توسط یک هکتار زمین از خیابان اول جدا می‌گردد، سپس زمین نیم هکتاری یک خانوار و بهمین ترتیب ادامه می‌یابد. تقریباً در مرکز دهکده‌های جدید مدرسه و ساختمانهای اداری قرار دارند. زمین زراعی علاوه بر قطعات دهکده، در اطراف ده به شعاع پنج مایل گسترش می‌یابد. از لحاظ اقتصادی، کشاورزی در دهکده‌ها شیوه غالب است. بیشتر دهکده‌های جدید

نوعی همکاری و تعاون میان زمین‌کاران قطعات یکپارچه در زمینه کاشت و جین و برداشت وجود دارد. عملیات برداشت توسط خانوارها انجام می‌گیرد که محصول خود را به دهکده می‌فروشند و دهکده نیز به نوبه خود آنها را به ناحیه خودمختار مربوطه خواهد فروخت. عواید حاصل از محصول مزارع بلوک (یکپارچه) به واحدهای خانوار بازگشت داده می‌شود.

فعالتهای اضافی در جهت کسب درآمد در دهکده‌های جدید بستگی به سطح توسعه



نظام کشاورزی خود را بر اساس مزرعه «بلوک» و جدا از قطعات فردی بنا می‌کنند. برای نمونه، در ناحیه گیگوما Kiguma، جایکه حکومت تولید پنبه را تشویق و حمایت می‌کند، هر یک از ساکنین ده به کاشت حداقل سه اکر پنبه تشویق می‌گردد. قطعه پنبه کاشت این زارع به قطعات مستعلق به دهکده‌های دیگر بصورت یک مجموعه است و

دهکده دارد. دهکده‌های بیشتری به توسعه فروشگاههای تعاونی، تولیدات لبنی و مرغداری مبادرت نموده‌اند که اگر چه با ابعاد اندک، لکن به افزایش تنوع مواد غذایی در دسترس روستائیان و نیز افزایش درآمدهای روستا، آنجا که بازار فروش نیز در دسترس باشد، کمک خواهد نمود.

دهکده‌های جدید اولویت عمده‌ای بر

بدست آوردن تسهیلات اجتماعی نظیر فرودگاه، سیستم ارتباطی و غیره قائل هستند. طی پروژه IBRO^(۲) در گیگوما، اولین نهادی که یک دهکده جهت ساخت برمی گزیند، مدرسه ابتدائی است. پس از آن اولویتها شامل مسکن برای معلمان مدرسه، دسترسی به خدمات بهداشتی در دهکده یا نواحی اطراف و آب آشامیدنی است. حکومت کراا به روستائیان اظهار داشته که منافع مادی حاصل از روستائی نمودن، دقیقاً همین نوع خدمات است. علاوه بر این، خدمات ذکر شده تنها مسائلی هستند که روستائیان احساس میکنند همگی قادرند از آنها بهره مند شوند و لذا آنان داوطلبانه به کار برای اینگونه خدمات علاقه نشان می دهند.

۴- دهکده های یوجاما: تعداد دهکده های یوجاما نسبتاً اندک است. در عین حال تعدادی از دهکده ها دارای قطعه زمینهای یوجاما و یا همگانی هستند و اکثر دهکده ها تلفیقی از زمینهای انفرادی، بلوک و همگانی را دارا هستند. در دهکده بوجاما تمامی زمینها به استثناء قطعات انفرادی بصورت همگامی کشت می شوند. ما نمونه ای از این دست را در ناحیه موروگورو Morogoro مشاهده کردیم. کشت چغندر قند، ذرت، ارزن و گنجد همه بصورت همگامی صورت می گرفت. محصول به واحد خودمختار مربوطه فروخته می شد و عواید حاصله بین روستائیان منفرد (بر اساس روزهای کارکرد)، و صندوق همگانی دهکده تقسیم می گردید. ذخیره های مالی دهکده بار دیگر در فعالیت های کشاورزی همگانی نظیر دامهای لبنی، طیور و یا انبارهای ذخیره سازی، سرمایه گذاری می شدند.

دهکده ها همواره انگیزه هایی برای تبدیل به دهکده یوجاما در خود دارند. این انگیزه عمدتاً بصورت امتیازهای حکومت در پیش بینی اعتبارات، کمکها و موارد دیگر نظیر ارائه آموزش تجلی می یابد. وجوه اشتراک دهکده ها

با وجود آنکه ما تمامی دهکده ها را بازدید نکردیم، نقطه نظر خویش را براساس دهکده های مشاهده شده و نیز از بررسیهای انجام شده در ۲۰۸۸ دهکده طی برنامه ملی کشت ذرت، بیان می داریم. از اینرو اظهار نظرهای دیدگاهها کاملاً آزمایش خواهد بود.

اولین نقطه نظر در ارتباط با وجوه مشترک دهکده ها، سرمایه گذاریهای بصورت فروش مایحتاج است که بازده نقدی برای روستائیان و روستا در بردارد و لازمه موفقیت است. مایحتاج روستائیان به تنباکو، چای و نظایر آن محدود نمی شود و ممکن است شامل ذرت، کاسا^(۸)، و سایر مواد غذایی

کشاورزی نیز بشود.

دومین نقطه نظر به کیفیت رهبری دهکده ها مربوط می شود. در دهکده های قدیمی تر گروهی از افراد الگوهای تعاون را پیش از طرح روستائی نمودن آموخته بوده و عمل می کرده اند. از میان این گروه، چند نفر تخصصهای جدید کسب کرده بودند، مانند آموزگاری، یا مسئول سابق بازرگانی که مدارس میسیونری را گذرانده بود و یا در یک دهکده چندین نفر که در طرح ناموفق خانه سازی شرکت داشته اند. چنین بنظر می رسد که ایجاد فرصت برای رهبران جوان تر با مهارتهای لازم در مسائل مربوط به مدرنیزه کردن کشور، از دستاوردهای جنبی روستائی نمودن و تشکیل دهکده های نوین باشد. این روند بدون شک بین نسل گذشته و نسل جدید فشارهایی را ایجاد کرده، لکن همواره این گروه رهبری مورد حمایت حزب و حکومت بوده است.

تازانیا دارای طرح تکنولوژی متوسط جهت بهبود بخشیدن پایه و زمینه فنی در ارتباط با اهداف اجتماعی خود است.

سومین نقطه نظر آنست که بیشتر پروژه های خود یاری دهکده هر چند نسبتاً کوچک، محتاج کمک و همکاری است. در موروگورو سرمایه گذاریهای دهکده در زمینه عملیات مربوط به پرورش طیور و مواد لبنی از طریق صندوق توسعه منطقه ای به همراه کمکهای فنی از سوی سرویس توسعه، صورت پذیرفت. اغلب اینگونه برنامه ها محتاج مطالعات کاربرد جامع و دقیق نیست که در آنصورت هزینه مربوطه از ارزش پروژه فزونی خواهد گرفت. ضمن آنکه دارا بودن منافع اقتصادی برخی از این برنامه ها مورد سوال است، تمامی آنها نمایانگر نیازها و اولویتهای دهکده هستند. چهارمین مطلب قابل ذکر، نفوذ آشکار حزب تانو در دهکده ها است. سرپرستان دهکده همان سران حزب هستند. اعضاء شوراها و کمیته ها نیز دارای وابستگیهای حزبی هستند. بطور خلاصه تفکیک سران دهکده از فضای سیاسی آن به سختی امکان پذیر است و این بدان معناست که روستائیان می توانند نیازهای خویش را از هر دو طریق سیاسی و اداری مطرح نمایند.

پنجم، به اعتقاد ما انگیزه ها و امکانات برای یک نظام پرتحرک روستائی وجود دارد. حکومت پی برده است که فشارهای موجود بر بودجه جاری آنچنان شدید است که آنان سیاست کمک دولت و ارائه خدمات اجتماعی را مورد تجدیدنظر قرار خواهند داد. این بدان معناست که

دهکده همواره با گسترش خود انجام اینگونه خدمات را برعهده گیرد. هم اکنون دهکده ها صاحب ذخائر مالی وسیعی هستند. در عین حال سایر منابع درآمد روستا، نظیر حق انشعاب آب و سایر خدمات شدیداً مد نظر است.

سرانجام به بررسی استفاده از نیروی کار می پردازیم. براساس برخی انتقادات، روند روستائی نمودن منجر به عدم بهره برداری همه جانبه از نیروی کار شده است. امروز روستائیان برای رسیدن به مزارع می باید پنج مایل و یا بطور متوسط ۲ تا ۳ مایل پیاده روی کنند. این امر در دهکده هایی که بخشی از سرمایه های زراعی مردم در قطعات قدیمی واقع بود، بشکل بارزتری نمایان شد. با ترک محل های اقامت سابق توسط روستائیان این مشکل نیز تخفیف خواهد یافت.

مسئله جدی دیگر عبارت از این حقیقت است که روستائیان برای تامین آب آشامیدنی می باید. مساحت زیادی را طی کنند. باحل مسئله آب آشامیدنی این فشار نیز کاهش می یابد. با توجه به مساحت چند مایلی مزارع از محل سکونت روستائیان، آشکار است که بسیاری از دهکده ها فوق العاده وسیع هستند. حکومت بر این مسئله آگاهی دارد و در پی تقسیم فرعی دهکده های بزرگ است. مطالعات انجام شده در مورد گیگو ما اظهار می دارد که بهترین اندازه برای یک دهکده، سیصد خانوار است. در حال حکومت در پی ایجاد مجموعه های همجوار دهکده ها است.

تاثیرات اکولوژیکی از پیامدهای پیش بینی نشده عملیات روستائی نمودن بوده است. تغییرات کشت در کشاورزی و طول زمانهای آیش گذاری زمین، سکن بار آوری و تقویت زمین را بوجود می آورد، در حالیکه با تجمع عده بسیاری از مردم در دهکده امکان آیش گذاردن زمین وجود نخواهد داشت. از اینرو زمین باروری خود را از دست خواهد داد، مگر اقداماتی نظیر استفاده از کودهای شیمیائی و تغییر متناوب کشت صورت پذیرد. اینگونه اقدامات تاکنون انجام نگرفته و اختلالات اکولوژیکی بر اثر روستائی نمودن، بروز کرده است.

(۱) ناپیره بر این مسئله واقف بود لکن در سال ۱۹۷۷ اظهار داشت، «حقیقت امر آنست که نمی توان ۱۱ میلیون نفر را به زور حرکت داد، ... مانده دارای ظرفیت یک چنین قوای قهریه ای هستیم و نه تمایل به استفاده از آن داریم». ژولیوس ناپیره، اعلامیه آروشا: ده سال بعد، ۱۴ فوریه ۱۹۷۷، دارالسلام صفحه ۱۷.

(۲) پروژه IBRO به تفصیل توسط ناشران در «برداشتی از توسعه روستا جامع روستا: مطالعه ای منتخب از ناحیه گیگوما در تازانیا» توصیف گردیده است - ۱۹۷۷.